

پ. رتبیل (دهلی اول جنوری ۱۹۹۵)

بذر شهاب (*)

ابر نازا ، به پهنای سپهر
 کاکل سیاهش را افشاند
 بادی تشنه ، زوزه کشید
 فرود آمد و زخم ناسور زمین را لیسید .
 خاک بر پیشه و تل بارید
 استوانه ی گریاد
 به سان برج دوار، چرخید
 و ، با پرمایش اعماق " شهرمخروبه " را شکافت .



فریادی برخاست :

« ای مردم !
 بنگرید، بنگرید که چسان
 ویرانه های مان
 فتادست در چنبر توفان
 حکم کردگار است این !
 یاکه ، عصیان دوزخیان
 زمین زیبای ما افسون شده
 از مدار خورشید بیرون شده
 راهش بگیرد، بازش بدارید
 که می شتابد بسوی نبود »



آوازی آمد به گوش :

- « کدامین ازدهای " هفت " سر خشماگین (۱)
 از روی نفرت و کین
 می روید با یال مردارش
 " آذر پرزین " را ؛ (۲)
 کدامین یابوی بی لگام دهن چرکین
 که دارد بر کمرگاهش
 " هشت " منبر به جای زین (۳)

می کوبد با سُم خونبارش
 آموت شاهین را ؛
 کدامین " نوظهور " هیولای هول و هراس (۴)
 جسته از مغاک آتشی زای زمین
 که تنوره می کشد اینچنین...».



هوشمندی از سنگر، نعره کشید:

« هوش دارید ای عزیزان
 نه چنین است ، نه چنان
 این جاد و گران دورانند
 که با مار و طومار و جمجمه ی انسان
 در " دخمه " جفدان شوم (۵)
 و در زیر " خرگاه " عنکبوتِ مصدوم (۶)
 بر چله نشسته اند
 تا طلسم انقیاد جهان
 و امتداد عصرعروج " غولان... " پخته گردد (۷)
 و نگرند،
 باری دگر، در پی اورادی دگر شوند
 کنون در سر زمین ما شب تارست
 " هفت آتشکده " اش را روشنایی در کارست
 تد بیری باید...»



نو باوه ای چون رعد غرید:

« اگر اختران رخشنده ی مشرق
 در قندیل سحر آمیز شعبده بازان مغرب
 مسحورند
 وگر سیاره های گریزنده ، فاقد نورند
 ستاره های تابنده ، چرا مهجورند ؟ »



خروشید زنی پای در زنجیر:

« هان ! ای فرزندان بومسلم و بابک

اگر کاغذین فانوس های بنام آفتاب
 که از برق اسلحه ی " دزدان دریایی"
 نور شان خیره شده
 وز هیبت سور و شیپور اسرافیل
 وهم بر تن شان چیره شده
 چه باک
آتش زنید بر هر خس و خاشاک!
دشت سبز سینه های سِتبر تان ،
 تا بِناک
 به هر شیار **خونین** اش
بذر شهاب ، باید کاشت
 تا دانه دانه **مهر**
 و خوشه خوشه **خور** برداشت .»



-
- (*) " بذر شهاب" در نشریه قاره ای " شهروند " چاپ تورنتو (شماره ۲۷۹- سال ۱۹۹۶) و ماهنامه " آذرخش" چاپ سویس شماره ... سال ۱۹۹۷ چاپ و نشر شده است .
- (۱) هفت باند اسلامی غارتگر، آدمکش و خابن به وطن، که توسط (CIA) و (ISI) در پاکستان بسته بندی گردید. [از جمله ی باند های مذکور ، (K.G.B) با تأسیس " شورای نظار" در رأس باند جمعیت اسلامی آنرا از درون تسخیر و در خدمت سیاست استعماری خود قرار داد]
- (۲) " برزین" (" آذر برزین ") ، نام یکی از هفت آتشکده مشهور زرتشتیان در بلخ باستان بوده است.
- (۳) هشت گروهک رهن، جنایتکار و وطنفروش ساخت جمهوری اسلامی ایران که بعداً به " وحدت " رسیدند. و با نفوذ خاد (خاد بخش کشتمند، آن " حزب " به دو بخش تقسیم گردید. بعداً بنابر دستور (K.G.B) جناب صدر اعظم : « سلطانعلی کشتمند زمانیکه بعد از دوره دوم حکومت بر طرف گردید، از حزب و دفتر سیاسی آن استعفا داده شرمسارانه گفت : " به حزب وحدت تعلق فکری دارد و برای تحکیم آن سعی نموده و ائتلاف شمال را بر حق میدانم. « (" نگاهی به تاریخ حزب دموکراتیک خلق افغانستان" اثر عبدالقدوس غوربندی عضو کمیته مرکزی حزب مذکور - صفحه ۱۱۶)
- (۴) " نوظهور": طالبان ضد تمدن، سازمانیافته توسط (CIA) و (ISI) که عساکر پاکستان و تروریستان عرب نیز شامل آن بوده و در اوایل، بخصوص در ساختمان بدنه نظامی آنها بخشی از خلقی ها نقش سازنده داشتند.
- (۵) " دخمه" (تالار سازمان " ملل متحد ").
- (۶) " خرگاه " : (عمارت پنتاگون).
- (۷) " گول پاگلین" (اشاره ایست از " و. ا. ل " به امپریالیزم).
-

پ. رتبیل (۱۶ جولای ۲۰۰۴ کانادا)

اگر راست نگویی ... (*)

- میفهمی، اینجا کجاست؟
- اینجا " پایگاه نظامی بگرام " است. (**)
- تو از کجا هستی؟
- از افغانستان .
- "ثیت" ، احمق! این را می فهمم، از کجای افغانستان هستی؟
- از هرات، از کابل، از هزاره جات، از قندهار...
- خفه شو! می فهمی چه می گویی؟ زبان اصلی ات چیست؟
- پشه ای، ازبکی، پشتو، دری ...
- « فکینگ یو Fucking you » تویک سرباز امریکایی رامسخره میکنی؟ بگیر!
- واخ ! دستم را باز کن؛ اگر بچه مردی...
- دندانت شکست، چند تا شکست؟
- تف (تفی آمیخته با خون و دندان های شکسته)
- " مدر فک " «Mother Fuck» دندان هایت را برویم تف میکنی؟ بگیر!
- واخ، واخ ! امریکایی پدر لعنت؛ اگر ... ندادی دستم را باز کن!
- هرچه خواهی برایت میدهم؛ اگر راست بگویی.
- واه ! تو سرباز، مفعول هم هستی
- بلی، میخواهی...؟ چند سال داری؟
- هم سن و سال تو استم.
- من خو (۲۰) سال دارم، توهم...
- مرا هم همینطور فکر کن؛
- اگر راست نگویی تنبانت را میکشم و... میکنم، فهمیدی!
- خو، خو، شناختمت. تو همان کسی نیستی که به برادر یازده ساله ات تجاوز کرده بودی!؟
- از کجا فهمیدی که من بوده ام ؟
- در فلم ویدیویی دیده بودمت.
- بلی! من بودم؛ اگر راست نگویی به توهم تجاوز میکنم "مدر فک"!
- به مادرت هم تجاوز میکنی؟
- بلی! بلی! یک بار؛ دو بار؛ ده بار؛ صد بار؛ اگر نگویی... ؛ اگر نگویی...



(*) " اگر راست نگویی... " که در ۱۶ جولای ۲۰۰۴ سروده شده ، در شماره ۹۱۱ سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۳ " شهروند " . و در شماره ۶۷ " پیام فدایی " (ارگان چریکهای فدایی خلق ایران/ www.fadaee.org) بدست نشر سپرده شده است.
(**) این پایگاه در ۳۰ کلیو متری کابل موقعیت دارد.